

## تبیین جامعه شناختی سرمایه اجتماعی پلیس

قدیر بخشی<sup>۱</sup>  
غلامرضا غفاری<sup>۲</sup>

۹۱/۶/۱۱  
۹۱/۸/۲۰

تاریخ دریافت:  
تاریخ پذیرش:

### چکیده

سازه سرمایه اجتماعی برای سازمان پلیس؛ با چرخش از گفتمان امنیت اجتماعی دولت محور به گفتمان امنیت اجتماعی جامعه محور، سهم و نقش مهمی پیدا کرده است. در دوره جدید رویکرد جامعه محوری به عنوان یکی از الگوهای جدی در تولید و حفظ امنیت مطرح شده است. در این رویکرد کارآمدی پلیس ناشی از ارتباط و کنش متقابل با جامعه است. در نتیجه توجه به سرمایه اجتماعی پلیس معنا و مفهوم تازه ای یافته است. سرمایه اجتماعی دارای ابعاد و مولفه هایی است که با بررسی مفهومی و نظری آن در این مقاله بر مولفه های مشارکت و اعتماد اجتماعی به نهاد و کارگزاران پلیس تاکید شده و مورد سنجش کمی قرار گرفته اند. مفاهیم در چارچوب منطق فازی درجه بندی شده اند. بر حسب داده های موجود، میزان مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی، اندکی بالاتر از متوسط قابل ارزیابی است. گزاره های مشاهده ای دلالت بر آن دارند که میانگین اعتماد شهروندان تهرانی به پلیس ۰/۵۱ است. اکثریت پاسخگویان (۴۳/۸ درصد)، عضو مجموعه ای هستند که در نقطه گذار (۰/۵) اعتماد به پلیس، بر پایه نظام برآورد انتظارات ارزشی قرار دارند. همبستگی رگرسیونی اعتماد به پلیس با ترکیب خطی شرایط علی؛ کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت سازمانی و انسجام هنجاری برابر با ۰/۸۵ است. نسبتی از واریانس مجموعه اعتماد به پلیس که از طریق مشارکت نسبی مجموعه شرایط علی مذکور تبیین شده است ۰/۷۲ است.

**واژه های کلیدی:** سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی، انتظارات ارزشی، امنیت

اجتماعی

## مقدمه

موضوع این مقاله، تبیین جامعه شناختی سرمایه اجتماعی پلیس است. پلیس به عنوان یکی از نهادهای عمومی، از ارکان مهم هر حاکمیتی بوده و به مثابه یکی از خرده نظامهای اجتماعی؛ ارتقاء نظم و انضباط اجتماعی، تسهیل فرایند توسعه اجتماعی، اجرای قانون و حفاظت از آرامش و امنیت جامعه از کارویژه های اصلی آن است.

طرح ایده پلیس جامعه محور و امنیت انتظامی «اجتماعی شده»<sup>۱</sup> پیوند سازمان پلیس را از پیوند صرف با نهاد حکومت و دولت فراتر برده است، به گونه ای که سازمان پلیس به رغم اینکه یک سازمان رسمی و حکومتی شناخته می شود، لیکن ارتباط و درهم تنیدگی آن با نهادهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی را نمی توان نادیده گرفت و بر همین اساس صاحب نظران علوم اجتماعی و امنیتی، سازمان پلیس را نیازمند مبرم به برخورداری از سرمایه های اجتماعی می دانند. سرمایه اجتماعی به مثابه سیمان و ملاتی است که به حفظ وفاق و انسجام جامعه و سازمان پلیس کمک می کند و موجبات روان سازی و برخورداری از نظم پویا را تحلیل و تقویت نموده و نقش و سهم درخور توجهی را در فراهم سازی امنیت و انتظام اجتماعی دارد. چرا که سرمایه اجتماعی در مقیاس های خرد (فردی)، میانی (نهادی و سازمانی) و کلان (حکومتی) نیرویی موثر برای اجتناب و ممانعت از گسست و ناامنی اجتماعی در جوامع پر مخاطره امروزمین می باشد.

## طرح مساله

اثر بخشی سرمایه اجتماعی بر روند فرایندهای پویایی چون امنیت را نمی توان مورد غفلت قرار داد. این ضرورت، در جوامع جدید اهمیت بیشتری پیدا کرده است. زیرا جوامع انسانی، به حکم فرایند تمایز و تفکیک اجتماعی که در سطوح چند گانه: خرد، میانی و کلان در حوزه های مختلف؛ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تجربه می کنند و چند و چون آن که معرف جوهره و ماهیت آنها در دوره های مختلف تاریخی و قلمرو های متعدد است، برخوردار از مجموعه ای از شکاف های اجتماعی می شوند، سرمایه اجتماعی، عنصری است که در شکل بین گروهی آن می تواند ترمیم این شکافها، وفاق و انسجام اجتماعی را موجب شود.

1- Societal security.

سرمایه اجتماعی، از ویژگی خود تقویتی<sup>۱</sup> برخوردار است. به این معنا که با استفاده از آن، سرمایه اجتماعی ارتقاء و افزایش می یابد و دارای خصلت خودزاینده<sup>۲</sup> است. وقتی بده بستان افزایش می یابد، اتصالات بین مردم، موجب تولید اعتماد، اطمینان و توانمندی می شود. آن چنانکه عدم استفاده مناسب از آن، به فرسایش و کاهش سرمایه اجتماعی می انجامد.

سرمایه اجتماعی از مسیر جامعه پذیری، کنترل اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، هنجارمندی اجتماعی، فراهم سازی فرصت و نوعی دارایی، با نظم و امنیت اجتماعی پیوند پیدا می کند و بر این مبناست که بسیاری از صاحب نظران معتقدند که؛ جامعه امروز، فاقد سرمایه اجتماعی است و این دلیل عمده ای برای افزایش میزان ارتکاب به انحراف، بزهکاری و جرم است. (غفاری، ۱۳۹۰).

مجموعه عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در این مقاله در بعد شناختی و ذهنی، عبارت است از اعتماد به پلیس (نهادی و بین شخصی) و در بعد عینی، عبارت است از مشارکت های رسمی و غیر رسمی مردم در همکاری و همیاری متقابل با پلیس (میزان مشارکت و همکاری مردم با پلیس) که مجموعاً عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی پلیس را شامل می گردند. در ایران از لحاظ تاریخی همواره رویکردی اقتدارگرا از سوی حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی در برقراری نظم و امنیت دنبال می شده است. از این رو از یک طرف حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته اند و از طرفی هم مردم کمترین مشارکت را در عرصه زندگی اجتماعی از خود جلوه گر ساخته اند. در واقع می توان گفت تا قبل از انقلاب اسلامی امنیت برآمده از صرف اقتدار و حاکمیت پلیسی بر جامعه حاکم بوده است و این امر به روحیه استبدادی این حاکمیت و نبود گرایش مردم سالارانه در آنها برمی گشت. در نتیجه شاهد آن هستیم که همواره مشارکت مردم در امور انتظامی با نیروهای برقرار کننده نظم در سطوح بسیار پایینی بوده است و حتی فراتر از این، یک روحیه پلیس ستیزی را از لحاظ تاریخی شاهد هستیم که این روحیه نیز منبعث از روحیه قانون گریزی مردم بوده است چرا که مردم قوانین را بعنوان ابزاری برای حفظ منافع حاکمیت می نگرسته اند و بالطبع چنین دیدگاهی را نیز در خصوص پلیس داشته اند.

1- Self- reinforcing.

2- Self- generating.

اکنون این سول مطرح است که:

« سرمایه اجتماعی پلیس چگونه قابل تبیین است؟ »

این سوال از نوع تبیینی است. در پاسخ به این سوال و در مقام حل مساله دو نوع تبیین

ضرورت می یابد:

۱- تبیین تئوریک؛

۲- تبیین تجربی.

### ضرورت و اهمیت تحقیق

بنیاد و شالوده هر جامعه ای بر نظم استوار می باشد، پس ضروری است که کنشگران (فردی و سازمانی) برای تداوم حیات خود در جامعه و نیز استمرار نظم و هماهنگی اجتماعی، با یکدیگر همکاری و همیاری اجتماعی داشته باشند که اساس این روابط مبتنی بر تعاون و همکاری را سرمایه اجتماعی تشکیل می دهد، زیرا سرمایه اجتماعی حلقه واسط و تسهیل گر تعاملات و ارتباطات اجتماعی در سطوح خرد (خانواده)، میانی (سازمان ها)، کلان (جامعه) و حتی در ساختارهای فراتر از آن (جهانی) است. ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر را در قالب موارد زیر می توان مورد تأکید قرار داد:

امروزه تبیین و فهم سرمایه اجتماعی برای سازمان پلیس، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است، زیرا سرمایه اجتماعی از جمله نظریات جامعه محوری است که با تأکید بر روابط اجتماعی، ظرفیت تبیین و فهم «امنیت اجتماعی شده» را داراست. سرمایه اجتماعی، به مثابه دارایی در اختیار جامعه و کنشگران اجتماعی، با بهره مندی از مولفه هایی نظیر؛ اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه ای، پاسخ گویی و دیگر عناصری که در ذیل چتر خود دارد، موجب می شود تا هزینه های مدیریتی، نظیر نظارت و کنترل رسمی را کاهش داده و امکان استفاده از زمان و دیگر منابع و سرمایه ها را در جهت انجام فعالیت هایی با بهره وری بیشتر فراهم کند.

اقبال نظری و عملی نیروی انتظامی به سرمایه اجتماعی و بهره مندی از آن به عنوان سرمایه و دارایی حیاتی و با ارزش، به ارتقای توان و قابلیت کارکنان و سازمان این نیرو در تعامل و ارتباط سازنده و پویا با مردم و جامعه کمک می نماید و در نهایت پویایی سازمان و در

مقیاس فراتر از سازمان، بسط و گسترش نظم اجتماعی پویا (که تحقق آن مورد نظر و انتظار سازمان پلیس است) را در پی دارد.

سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی پلیس، در ارزیابی عملکرد پلیس مورد نیاز است. «ارزیابی عملکرد» به عنوان یکی از فعالیت های کلیدی و از عناصر اصلی مدیریت در سازمان به شمار می رود. امروزه ارزیابی عملکرد، ابزاری است کارآمد که مدیریت و کارکنان از طریق آن به نقاط قوت و ضعف سازمان پی برده و با ریشه یابی آنها و با تکیه بر نقاط قوت، اقدامات اصلاحی را برای بهبود عملکرد انجام می دهند.

تغییرات پرشتاب، فزاینده و فراگیری که هر روزه با آهنگی سریعتر از دیروز، جوامع انسانی را دستخوش دگرگونی می سازند، توجه به سازه های تحلیلی و تجربی سرمایه اجتماعی و امنیت را در حوزه های دانش نظری و سیاست گذاری اجتماعی برای سازمان نیروی انتظامی، ضرورتی تازه بخشیده است.

بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی پلیس از آنجا که گامی اساسی در شناخت نگرش شهروندان محسوب می شود، می تواند به برقراری یک ارتباط اقناعی با شهروندان کمک کند. وقتی توجه ما معطوف به ارزیابی و سنجش سرمایه اجتماعی پلیس می شود در واقع وارد قلمرو نگرش های آنها شده ایم. اطلاع از کیفیت نگرش شهروندان به سازمان پلیس، به توانایی این سازمان در برقراری یک ارتباط اقناعی با شهروندان به منظور ترغیب، هماهنگی و همسو شدن آنها خواهد افزود.

### پیشینه تجربی و نظری موضوع

در ایران در چند سال گذشته، تحقیقات متعددی درباره سرمایه اجتماعی و یا برخی از عناصر آن در شکل پژوهش مستقل و یا پیمایش های ملی صورت گرفته که می توان تأثیر برخی از متغیرهای مستقل را در سرمایه اجتماعی و یا برخی از عناصر تشکیل دهنده آن را ملاحظه نمود.

سرمایه اجتماعی در برخی از تحقیقات با آگاهی، اعتماد (اجتماعی و نهادی)، مشارکت شورایی، اجتماعی و سیاسی و اعتماد به افراد، اعتماد به نهادها و سازمان ها (غفاری، ۱۳۸۰)؛ فعالیت های گروهی و انجمنی، اعتماد عام (شخصی، تعمیم یافته و نهادی) همیاری تعمیم یافته (موسوی خامنه، ۱۳۸۳)؛ بعد هنجاری اعتماد و عمل متقابل و بعد شبکه ای (ملا حسینی،

۱۳۸۱)؛ فعالیت اجتماعی، روابط اجتماعی با خانواده، دوستان و همسایگان و اعتماد اجتماعی (میرزاخانی، ۱۳۸۰)؛ و اعتماد (امیرکافی، ۱۳۷۴) تعریف و عملیاتی شده است و در برخی از تحقیقات و پیمایش های ملی نیز برخی از عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، راستگویی، دورویی، تقلب، روابط اجتماعی رسمی، رفتارهای مذهبی و مشارکت های غیر رسمی، آگاهی (محسنی، ۱۳۷۴)، مطالعه مطبوعات، دیدن تلویزیون، فعالیت های مذهبی، رفت و آمد خانواده، مشارکت اجتماعی، برگزاری جشن تولد (رفتارهای فرهنگی، ۱۳۸۲) آگاهی، اعتماد و مشارکت (ارزشها و نگرش ها، موج دوم ۱۳۸۲) مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است (به نقل از ناطق پور، ۱۳۸۴).

سرمایه اجتماعی برای سازمان پلیس، منبعی جهت «کنش متقابل» این سازمان با جامعه تلقی می گردد و این منبع علاوه بر آگاهی و توجه نسبت به امور اجتماعی و نظم و امنیت جامعه (شناخت) یعنی آگاهی که موجب علاقه مندی و دل نگرانی است، شامل هنجارهای اعتماد (نهادی و بین شخصی) جامعه نسبت به پلیس، هنجارها و یا رفتارهای متقابل (همیاری) که در درون شبکه های اجتماعی عمل می کنند و عناصر ساختاری شبکه ها و مشارکت های رسمی و غیر رسمی (نظارت همگانی بر عملکرد پلیس) می باشد.

سرمایه اجتماعی مفهومی نسبتاً نوظهور، پر اهمیت، چند وجهی، پیچیده و با تعدادی از تعاریف رقیب در علوم اجتماعی است و امروزه بعنوان یکی از مهمترین شاخص های رشد و توسعه در هر نظام و سازمان اجتماعی و شرط لازم برای بسط و گسترش انسجام، همبستگی و مشارکت اجتماعی و نیز اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) به حساب می آید.

در بررسی از منابع موضوع با انبوهی از تعاریف روبرو می شویم که در حوزه های متفاوتی ارائه شده اند. بررسی و مرور این تعاریف گوناگون احتمالاً نسبت به تعیین معرف های مشترک برای مفهوم سرمایه اجتماعی کمک خواهد نمود و از این طریق می توان سنجش مشترکی را از این مفهوم بعمل آورد. بنابراین به برخی از این تعاریف در ادامه اشاره می شود. جیمز کلمن<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را بوسیله کارکردش تعریف کرده است. به نظر او سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می شود که روابط میان اشخاص به شیوه ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد.

بنابراین سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه جنبه های متفاوت ساختار اجتماعی

را در بر می‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌نماید (راز نفیلد، ۲۰۰۱: ۲۸۴).

از دیدگاه پیر بوردیو<sup>۱</sup>، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه باشد. (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۵؛ برونینگ و دیگران، ۲۰۰۰). برای او پیوندهای بادوام و متراکم از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که میزان سرمایه اجتماعی هر فرد بستگی به تعداد روابط و میزان سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) تملک شده توسط هر رابطه دارد. (فیلد، ۲۰۰۳: ۷۷).

رابرت پاتنام<sup>۲</sup> اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). در مقابل، فوکویاما سرمایه اجتماعی را وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در میانشان برقرار است در آن سهم هستند. از نظر او مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد. برعکس، هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲).

از نظر پکستن<sup>۳</sup> منظور از سرمایه اجتماعی آن دسته از روابط اجتماعی است که می‌تواند تولید کالاهای معنوی و غیر مادی را تسهیل نماید (پکستن، ۲۰۰۲: ۲۵۶).

به اعتقاد او سرمایه اجتماعی دارای دو بعد اصلی می‌باشد:

۱- روابط عینی میان افراد از یک طرف

۲- پیوندهای ذهنی بین همان افراد از طرف دیگر (فیلد، ۲۰۰۳: ۶۷).

با این دو بعد، این تعریف از سرمایه اجتماعی هم روابط بین افراد را در بر می‌گیرد که کلمن بر آن تأکید نموده بود و هم اینکه در واقع این روابط باید بر اساس تئوری بوردیو، ذهنی، مبتنی بر اعتماد و مثبت باشد (پکستن، ۲۰۰۲: ۲۵۶).

چلبی نیز معتقد است، منظور از سرمایه اجتماعی، گزینه‌های رابطه‌ای قابل تصور است،

1- Pierre bourdieu  
2- Robert Putnam  
3- Paxton

این گزینه‌ها عبارتند از: روابط اجتماعی، روابط اجباری، روابط گفتگومانی و روابط مبادله‌ای. گزینه‌های رابطه‌ای برای اشغال‌کننده موضع بالقوه، در حکم منابع ارزشمند محسوب می‌شوند که در روابط اجتماعی قابل تبدیل به دارایی‌های مختلف برای کنشگر هستند.

اخیراً بیشتر تئوری پردازان سرمایه اجتماعی (اعم از عالمان سیاسی و جامعه‌شناسان) بر دو عنصر اصلی این مفهوم تأکید دارند: نخست؛ اعتماد میان اعضای اجتماع، و دیگری مشارکت در سازمان‌های اجتماعی. با پیروی از این دیدگاه، می‌توان گفت هر چه مشارکت و اعتماد اجتماعی و نیز تعداد نهادها و سازمانهای داوطلبانه بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. با تأسی و الهام از این دیدگاه‌های اخیر و نیز هر یک از تعاریف و تبیین‌های ارائه شده پیرامون سرمایه اجتماعی را می‌توان نه به عنوان دیدگاه‌های جایگزین، بلکه به عنوان ابعاد مکمل سرمایه اجتماعی، در پژوهش حاضر در نظر گرفت. افزون بر این طرح مباحثی چون مفهوم پلیس جامعه محور که در گفتمان امنیت مدرن<sup>۱</sup> مد نظر است ضرورت توجه به سرمایه اجتماعی پلیس را دوچندان کرده است. در رویکرد جامعه محوری، سازمان پلیس به جای تکیه صرف بر ابزارهای سنتی سرکوب و اعمال قدرت که لازمه آن تقابل و دوری از جامعه است، با کلیه ارکان جامعه تعامل برقرار نموده و ضمن توسعه فرایند خدمت رسانی به جامعه و مردم، از حمایت‌های مختلف مادی و معنوی آنها (سرمایه‌های اجتماعی) در برقراری نظم و امنیت عمومی بهره‌مند می‌شود. به طور کلی، رویکرد جامعه محوری پلیس اشاره به ارتباط و حمایت دو سویه سازمان پلیس و جامعه دارد (وروانی، ۱۳۸۴). در این رویکرد پلیس، نظم و امنیت مقوله اجتماعی به حساب می‌آیند بدین معنا که پلیس نه می‌خواهد و نه می‌تواند که به تنهایی نظم و امنیت را در جامعه برقرار نماید، بلکه این سازمان در جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه نیازمند واقعی به کمک و حمایت مردمی است، به عبارتی دیگر رویکرد جامعه محوری نوعی فلسفه‌ای است مبتنی بر این باور که چون مقوله

۱ - در دوره جدید از دو گفتمان امنیت بحث می‌شود:

- گفتمان سنتی: امنیت ملی در این گفتمان، جنبه سلبی دارد و با نبود عامل یا عواملی چون تهدیدات نظامی، اقتصادی، اجتماعی و ... تعریف می‌شود.
- گفتمان مدرن: در این گفتمان، محور اصلی امنیت ملی را موضوع نفی تهدیدات تشکیل نمی‌دهد، بلکه وجود شرایط ایده آل برای یک حیات سیاسی - اجتماعی مناسب برای کلیه شهروندان مد نظر است. در گفتمان مدرن، جنبه اجزایی و تأسیسی امنیت مد نظر بوده، امنیت پدیده اجتماعی قلمداد می‌گردد که تمامی جامعه در تولید و حفظ آن مشارکت دارند (افتخاری، ۱۳۷۹). در این گفتمان، امنیت از حالت تک ذهنی (تک محوری) خارج شده و به درون جامعه پانهاد و امنیت در سایه مشارکت مردمی از ویژگی‌های یک جامعه امن است. بنابراین، ذهنیت مردم از امنیت و میزان همکاری آنها با پلیس در تحصیل امنیت، امکان آن را فراهم آورده تا مردم هم در مقام تعریف و هم در مقام اجرای اصول امنیتی صاحب نقش گردند.



نظم و امنیت، پدیده های اجتماعی هستند؛ بنابراین دستیابی به آنها نیازمند همکاری مشترک پلیس و جامعه است و مشارکت و همکاری مردم با سازمان پلیس نیز در واقع به هویت مدنی یعنی مردمی بودن آن توجه دارد و به هر میزان که سازمان پلیس به سمت داشتن تعاملات گسترده تر با مردم حرکت کند، راندمان عملکرد پلیس بهبود و هزینه های تأمین نظم و امنیت به حداقل ممکن کاهش می یابد، علاوه بر این زمینه های جلب اعتماد مردم نسبت به پلیس نیز فراهم می گردد.

### مؤلفه های سرمایه اجتماعی

۱- اعتماد اجتماعی: اعتماد از اهمیت نظری و عملی بسیاری برای مطالعه سازمان های دولتی برخوردار است (nachmias, ۱۹۸۵: ۱۳۳-۱۴۳). برخی از صاحب نظران مدعی هستند که اعتماد نوعی ساز و کار انسجام دهنده است که وحدت را در سیستم های اجتماعی ایجاد و حفظ می کنند (Barber, ۱۹۸۳) و به مثابه پدیده ای است تسهیل گر که باعث بهره وری بیشتر سازمان ها می شود، اعتماد به عملکرد اثر بخش منجر می شود زیرا تبادل اطلاعات مرتبط و مناسب بین شهروندان و سازمانها را تشویق می کند و عامل بسیار مهم در کارایی و اثر بخشی سازمان است.

اعتماد، عامل پیوند شهروندان و سازمان های دولتی بوده و مدیریت دولتی اثربخش منبعث از این پیوند و اعتماد دو طرفه است، از این رو اعتماد عمومی بر کیفیت مدیریت دولتی تأثیر زیادی خواهد داشت. این اعتماد یکی از ارزشمندترین سرمایه های اجتماعی است که مخدوش شدن آن هزینه های بسیار سنگینی بر سازمان تحمیل خواهد کرد.

اعتماد از عناصر بسیار مهم سرمایه اجتماعی بوده و باعث تسهیل همکاری می شود و هر چه اعتماد نسبت به سازمانی بالاتر باشد احتمال همکاری با آن سازمان نیز بیشتر خواهد بود و همکاری نیز به نوبه خود اعتماد را به دنبال دارد.

بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که افزایش اعتماد متقابل مردم و سازمان ها، موجب پایین آمدن هزینه های اداره جامعه و هزینه های عملیاتی سازمان ها می شود و در نهایت مشارکت مردم با سازمان را تسهیل می نماید.

شهروندان به منظور رفع نیازهای گوناگون خود در ارتباط با پلیس، به آنها مراجعه می کنند، انتظار دارند رفتارها و کیفیت خدمات ارائه شده توسط پلیس متناسب با نیازهای آنان باشد.

نهاد پلیس نیز برای تداوم حیات سازمانی خود به همکاری و مشارکت شهروندان وابسته است، در فرایند این تعامل است که اعتماد موضوعیت می یابد. اساساً بر آورده شدن انتظارات، می تواند اعتماد را به همراه داشته باشد در این معنا اعتماد در شرایطی حاصل می شود که رابطه بین نظام کنشگر (شهروند) و پلیس مبتنی بر تأمین تمایلات نیازی (انتظارات) باشد. موضوع اعتماد اجتماعی به پلیس در دو سطح قابل تبیین است:

۱- سطح نهادی؛ در این سطح پلیس به مثابه یک نهاد عمل می کند.  
 ۲- سطح کنشگری؛ در این سطح پلیس به مثابه مجموعه ای از کنشگران مد نظر است. در سطح نهادی، پلیس به عنوان یک سیستم مطرح و بر عناصر ساختاری آن تأکید می شود و در سطح خرد ارتباط کنشگران پلیس با شهروندان مورد توجه قرار می گیرد. شهروندان در برخورد با پلیس عناصر این دو سطح را با انتظارات ارزشی خود تطبیق می دهند، اگر انتظارات خود را سازگار با رفتار کنشگران و عملکرد نهادی پلیس ارزیابی کنند نسبت به آن اعتماد پیدا می کنند. نحوه داوری شهروندان در باب کیفیت خدمات پلیس می تواند معیار مهمی برای تعیین اثر بخشی و کارآیی این سازمان نیز باشد.

اعتماد اجتماعی جهت گیری اخلاقی مثبت در میان شهروندان است. جوهر اعتماد، انتظارات (اخلاقی، ابزاری و ...) ناظر بر دیگری است. انتظار داریم رابطه ما با دیگری مبتنی بر ارزشهای اخلاقی مانند تعهد، صداقت، انصاف، عطف و مسئولیت پذیری باشد، انتظار داریم کیفیت عملکرد دیگری متناسب با نیازهای ایمنی، شناختی و مادی زندگی ما باشد. در این پژوهش مصداق آن دیگری نهاد و کنشگران پلیس است.

۱- مشارکت پذیری: مشارکت<sup>۱</sup> فرایندی است از خودآموزی اجتماعی و مدنی؛ زیرا فعالیت برای مشارکت، مستلزم تغییر حالت ذهنی و روانی در همه سطوح است و همین تغییر، برقراری مناسبات انسانی و اجتماعی نوین را ممکن می سازد.

اگر چه مسئله مشارکت در معنای وسیع کلمه دربرگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است، اما اغلب منابع و متون موجود در زمینه مشارکت، آن را بیشتر در قالب مشارکت سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار می دهند. در مشارکت گرایش به اداره امور اجتماعی وجود دارد و هرچه به پیش می رویم قدرت این گرایش در مردم افزایش می یابد.

گسترش و تعمیق مشارکت‌های مردمی، نیازمند سازماندهی، نهاد سازی و ایجاد شرایط ساختاری مناسب است. با وجود آنکه مشارکت الزاماً در چارچوب سازمان‌ها و تشکلهای صورت نمی‌گیرد، اما تشکلهای و سازمان‌های مردمی آن را نهادینه می‌کنند.

طبق نظریه دور کیم در نتیجه گذار جوامع از مرحله سنتی به دوره مدرن، همبستگی و انسجام اجتماعی نیز از شکل سنتی خود که دور کیم آن را انسجام مکانیکی می‌نامد به شکل انسجام ارگانیکی که لازمه آن رشد و گسترش نهادهای مردمی و شیوه‌های جدید مشارکت پذیری است تغییر می‌یابد. به این دلیل زمینه‌های رشد و توسعه انسجام نیز متفاوت از گذشته خواهد بود. یکی از زمینه‌های این مهم ایجاد اعتماد و مشارکت پذیری در افراد جامعه است که این دو نیز، خود از عوامل اصلی شکل‌گیری سرمایه اجتماعی هستند.

به اعتقاد صاحب نظرانی چون گیدنز<sup>۱</sup>، کلمن، بوردیو و جان فیلد<sup>۲</sup>، با رشد شهرنشینی و گسترش شبکه‌های پیچیده ارتباطی، متغیر مهمی که می‌تواند این شکاف و گسست اجتماعی را از میان بردارد، ایجاد و تقویت زمینه‌های مشارکت و اعتماد اجتماعی است که با برقراری پیوند و اتحاد اجتماعی، موجبات شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را نیز فراهم می‌سازند. سازمان پلیس در سال‌های اخیر فرایند مشارکت‌پذیری را با اتخاذ رویکرد جامعه محوری و با تأسیس نهادهایی چون پلیس ۱۱۰ و مرکز نظارت همگانی بر عملکرد پلیس (۱۹۷) و ... در دستور کار خود قرار داده است که در این پژوهش بر نقش نظارت همگانی در فرایند مشارکت‌پذیری پلیس پرداخت شده است.

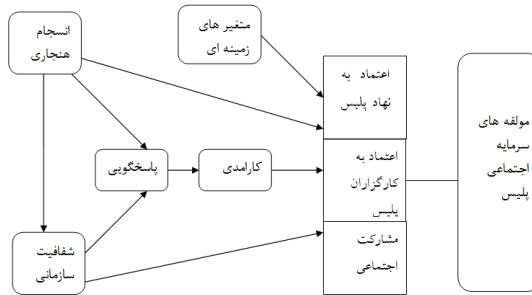
نظارت همگانی از دو جنبه در توسعه سرمایه اجتماعی پلیس نقش آفرین است: نخست اینکه سازمان پلیس از طریق نظارت همگانی، نیازهای واقعی مردم را درک و از نظرات و میزان رضایت آنها از عملکرد خود مطلع می‌شود و نتیجه آن خواهد شد که پلیس بر اساس یافته‌های حاصل از نیازسنجی عمومی نظارت همگانی در مقوله نظم و امنیت و میزان اثربخشی اجتماعی و بازخورد عملکرد خود در جامعه برنامه‌های خود را در جهت انجام مطلوب وظایف و مأموریت‌ها و در نهایت ارائه خدمات بهتر به مردم و جلب رضایت و اعتماد عمومی تنظیم می‌نماید.

عرصه دوم ایجاد بستر مناسب برای مشارکت فعال و نقش آفرینی سازنده مردم در برقراری نظم و امنیت در جامعه با مکانیسم فعال نظارت همگانی است. با فراهم شدن هر چه بیشتر

1- Gardens  
2- Field, john

زمینه های «نظارت همگانی» بر رفتار و گفتار کارکنان و عملکرد سازمانی پلیس، ضامن سلامت و دوام این سازمان، احساس امنیت شهروندان، راهگشا و زمینه ساز خدمت به مردم، وظیفه شناسی، کارآمدی و پویایی پلیس خواهد بود.

## مدل نظری



سرمایه اجتماعی با سه مولفه اصلی (اعتماد نهادی، اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی) مورد سنجش قرار گرفته است.

## فرضیه اصلی تحقیق

بین سرمایه اجتماعی پلیس با انتظارات ارزشی مرکب از (پاسخگویی، کارآمدی، انجام هنجاری و شفافیت سازمانی پلیس) رابطه وجود دارد.

## فرضیه فرعی

بین سرمایه اجتماعی پلیس و متغیرهای زمینه‌ای (سطح تحصیلات، جنس، وضعیت تاهل، سن، درآمد، شغل و امنیت شغلی افراد) رابطه وجود دارد.

## روش شناسی

مجموعه عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی در این تحقیق در بعد شناختی و ذهنی، عبارت است از اعتماد (نهادی و بین شخصی) به پلیس و در بعد عینی، عبارت است از مشارکت های رسمی و غیر رسمی مردم در همکاری و همیاری متقابل با پلیس که مجموعاً عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی پلیس را شامل می گردند و میانگین نمرات عناصر مذکور، سرمایه اجتماعی

پلیس را تشکیل می دهند.

روش تحقیق، پیمایش اجتماعی و روش داوری، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر فازی<sup>۱</sup> است. برای گرداوری داده ها از ابزار پرسشنامه<sup>۲</sup> بر پایه مقیاس فازی استفاده شده است.

جمعیت آماری این پژوهش مجموعه افراد ۱۸ تا ۶۴ ساله خانوارهای معمولی ساکن در شهر تهران است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر تعیین و نمونه ها به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای از بین مناطق پنج، شش، هشت و دوازده انتخاب شده است.

در این تحقیق، تحلیل ها در دو سطح توصیفی و تبیینی انجام گرفته است. در سطح توصیفی از تکنیک جداول فراوانی و شاخص درصد میانگین ها و در سطح تبیینی از تکنیک رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده نموده ایم.

## یافته ها

شاخص سرمایه اجتماعی (اعتماد به پلیس بر مبنای ابعاد انتظارات ارزشی): همچنان که پیشتر گفته شد، در این پژوهش مفهوم اعتماد به پلیس بر مبنای انتظارات ارزشی، ناظر بر عناصر وضعیت پلیس است. وضعیت پلیس در دو سطح خرد و کلان بررسی شده است. در سطح خرد، رفتارهای کنشگران پلیس و در سطح کلان، عناصر ساختاری مانند هنجارها و وظایف سازمانی پلیس قرار دارد. معرف های تجربی انتظارات ارزشی را بر مبنای ابعاد تمایلات نیازی ساخته ایم. هر یک از معرف های تجربی تعریف شده، دلالت بر بر آورد درجه ای از نظام تمایلات نیازی افراد دارد.

در تحلیل اعتماد به پلیس بر مبنای ابعاد انتظارات ارزشی، ابتدا بعد نیازهای ایمنی و مادی، سپس نیازهای اجتماعی و در نهایت انتظارات اخلاقی را آورده ایم. بعد نیازهای ایمنی و مادی ناظر بر عملکرد نهادی پلیس است. براساس این نیاز مهم، انسان به عنوان موجودی

۱- عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی درجه بندی (calibration) میزان عضویت در یک مجموعه است. در روش شناسی فازی همه چیز به طور نسبی درجه بندی می شود و حقیقت چیزی بین ۰ و ۱ است. در این دستگاه معرفتی حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می شود. درجه عضویت اعضای یک مجموعه، ارزشهایی را در بازه [۰، ۱] اختیار می کند. ارزش یک برای مثال بیانگر عضویت کامل و ارزش صفر عدم عضویت کامل است. در حقیقت این اصل منطق فازی که هر چیزی درجه پذیر است، در آزمون تجربی گزاره ها نیز صادق است (ر.ک به: ساعی، ۱۳۸۸).

۲- برای تعیین اعتبار ابزار اندازه گیری، پرسشنامه تهیه شده در اختیار خبرگان در این زمینه بویژه اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت و بعد از جمع آوری نظرات آنان گویه های ضعیف و نامناسب حذف و یا اصلاح شد. برای تعیین اعتبار سازه نیز از روش تحلیل عامل استفاده شد. همچنین برای تعیین پایایی گویه ها ابتدا با آزمون پرسشنامه از طریق یک پیش آزمون با نمونه ای ۳۰ نفره سوالات ضعیف حذف شده و پایایی سایر گویه ها با ضریب آلفای کرونباخ تایید شد.

هدفمند جهت حفظ آرامش و صیانت از خود در ارتباط با محیط اثباتی (طبیعی) و اجتماعی (رابطه با دیگران) در صدد تحقق اهداف خود بر می آید.

**جدول ۱- اعتماد به پلیس بر مبنای انتظارات ارزشی ناظر بر نیازهای مادی و ایمنی**

(۰/۰۱)	(۰/۲۵)	(۰/۵)	(۰/۷۵)	۰/۹۹	درجه بندی گویه ها
۱۴/۷	۳۰/۴	۳۰/۱	۱۸/۷	۶/۱	قاچاق چیان مواد مخدر و مشروبات
۱۱/۵	۲۹/۸	۳۴/۱	۲۰/۹	۳/۸	سارقان و زورگیران
۱۱/۵	۲۹/۹	۴۱/۴	۱۵/۹	۱/۳	کلاهبرداران
۸/۱	۲۰/۶	۳۶/۶	۲۶/۵	۸/۱	اراذل و اوپاش
۲/۶	۱۱	۲۸/۶	۳۷/۸	۲۰/۲	رانندگان متخلف
۹/۷	۲۴/۳	۳۴/۲	۲۴	۷/۸	اعتماد به پلیس بر مبنای شاخص انتظارات ناظر بر نیازهای ایمنی و مادی

«اعتماد کامل (۰/۹۹)، اعتماد بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، اعتماد کمتر (۰/۲۵)، عدم اعتماد (۰/۰۱)»

شواهد تجربی نشان می دهد بر اساس شاخص انتظارات ناظر بر نیازهای ایمنی و مادی، ۷/۸ درصد و ۲۴ درصد موردها به ترتیب در مجموعه اعتماد کامل و اعتماد بیشتر عضویت دارند، ۳۴/۲ درصد در نقطه گذار مجموعه اعتماد، ۳/۲۴ درصد در مجموعه اعتماد کمتر و ۹/۷ درصد نیز عضو مجموعه عدم اعتماد می باشند.

**جدول ۲- اعتماد به پلیس بر مبنای شاخص انتظارات ارزشی ناظر بر نیازهای اجتماعی**

(۰/۰۱)	(۰/۲۵)	(۰/۵)	(۰/۷۵)	۰/۹۹	درجه بندی گویه ها
۳	۱۳/۲	۵۶/۱	۲۳/۱	۴/۶	اعتماد به مهارت، توانایی فنی و علمی کارگزاران پلیس برای انجام مطلوب وظایف محوله
۲/۸	۱۱/۶	۵۳/۷	۲۶/۸	۵/۱	اعتماد به کارایی (لیافت و شایستگی کارگزاران پلیس)
۵/۱	۱۴	۴۸/۷	۲۷/۹	۴/۳	اعتماد به انتخاب مدیران و مسئولان پلیس با معیارهای دانش، تعهد و تخصص
۶/۴	۱۹/۱	۴۸/۹	۲۱/۶	۴/۱	اعتماد به پاسخگویی پلیس در مقابل شهروندان
۵/۷	۱۹/۱	۴۵/۳	۲۵/۷	۴/۵	اعتماد به پلیس بر مبنای شاخص انتظارات ناظر بر نیازهای اجتماعی

«اعتماد کامل (۰/۹۹)، اعتماد بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، اعتماد کمتر (۰/۲۵)، عدم اعتماد (۰/۰۱)»

شواهد تجربی نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان در ارزیابی میزان اعتماد به پلیس دربر آوردن انتظارات ناظر بر نیازهای اجتماعی شهروندان، آن را در نقطه گذار، یعنی ۰/۵ قرار داده‌اند. این نقطه موردها (پاسخگویان) با عضویت بیشتر در یک مجموعه را از مواردی که بیشتر غیر عضو مجموعه محسوب می‌شوند، جدا می‌کند. متوسط موردها (پاسخگویان) در مجموعه (اعتماد کامل و اعتماد بیشتر)، بیشتر از موردهای مجموعه (عدم اعتماد و اعتماد کمتر) است.

### جدول ۳- داده‌های تجربی اعتماد به پلیس بر مبنای شاخص انتظارات اخلاقی شهروندان

درجه بندی گویه‌ها	(۰/۹۹)	(۰/۷۵)	(۰/۵)	(۰/۲۵)	(۰/۰۱)
صداقت و راستگویی کارگزاران پلیس در رفع مشکلات	۵/۱	۲۳/۸	۴۶/۸	۲۰/۸	۳/۵
پابندی به قول و قرار مجموعه کارگزاران پلیس	۳/۵	۲۱/۵	۵۱/۹	۱۹/۲	۳/۸
صراحت کارگزاران پلیس	۳/۵	۲۲/۵	۵۱/۱	۱۷/۷	۵/۱
رعایت قانون از جانب کارگزاران پلیس	۴/۶	۲۴/۹	۴۴/۵	۱۸/۶	۷/۴
رعایت حریم خصوصی شهروندان	۵/۹	۳۴/۲	۴۰/۴	۱۴/۱	۵/۴
برخورد احترام‌آمیز پلیس با شهروندان	۵/۳	۲۸/۴	۳۱/۶	۲۵/۸	۸/۹
صبر و حوصله و خویشتن‌داری پلیس	۳/۱	۲۶/۸	۴۱/۸	۲۰/۹	۷/۴
فداکاری و از خودگذشتگی پلیس در خدمت رسانی	۴/۱	۲۳	۴۸/۶	۱۸	۶/۳
پابندی پلیس به نظم و انضباط در کار	۲/۸	۲۶/۴	۵۱/۳	۱۶/۵	۳
اعتماد به پلیس بر مبنای شاخص انتظارات اخلاقی	۴/۲	۲۵/۷	۴۵/۳	۱۹/۱	۵/۷

«اعتماد کامل (۰/۹۹)، اعتماد بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، اعتماد کمتر (۰/۲۵)، عدم اعتماد (۰/۰۱)»

شواهد تجربی نشان می‌دهد که بطور متوسط تنها ۵/۷ درصد از افراد در مجموعه عدم اعتماد نسبت به رعایت ارزشهای اخلاقی از جانب کارگزاران پلیس عضویت دارند، از سوی دیگر متوسط درصد افرادی که با درجه اعتماد کمتر (۰/۲۵) هستند، برابر ۱۹/۱ درصد می‌باشد.

در ادامه شاخص اعتماد به پلیس را بر مبنای ابعاد انتظارات ارزشی ساخته و در باب آن بحث می‌کنیم. انتظارات ارزشی ناظر بر نیازهای اجتماعی را می‌توان تحت عنوان انتظارات اخلاقی و انتظارات ارزشی ناظر بر نیازهای ایمنی و مادی را، انتظارات ابزاری نیز تعریف کرد.

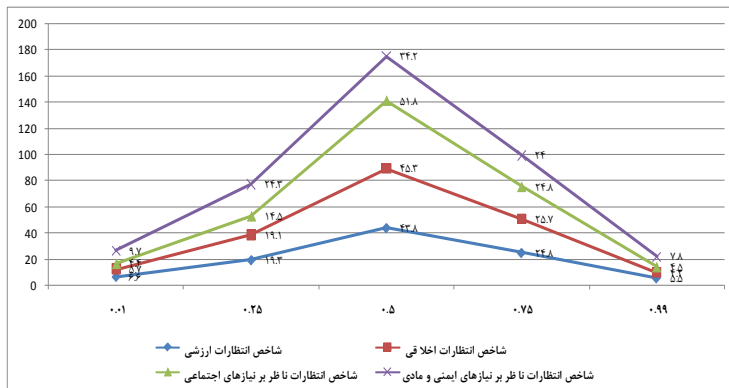
جدول ۴- شاخص اعتماد به پلیس بر مبنای انتظارات ارزشی

شاخص ها	(۰/۹۹)	(۰/۷۵)	(۰/۵)	(۰/۲۵)	(۰/۰۱)
انتظارات ناظر بر نیازهای ایمنی و مادی	۷/۸	۲۴	۳۴/۲	۲۴/۳	۹/۷
انتظارات ناظر بر نیازهای اجتماعی	۴/۵	۲۴/۸	۵۱/۸	۱۴/۵	۴/۴
انتظارات اخلاقی	۴/۲	۲۵/۷	۴۵/۳	۱۹/۱	۵/۷
شاخص اعتماد به پلیس بر مبنای انتظارات ارزشی	۵/۵	۲۴/۸	۴۳/۸	۱۹/۳	۶/۶

«اعتماد کامل (۰/۹۹)، اعتماد بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، اعتماد کمتر (۰/۲۵)، عدم اعتماد (۰/۰۱)»

شواهد تجربی نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان (۴۳/۸ درصد)، عضو مجموعه‌ای هستند که در نقطه گذار (۰/۵) اعتماد به پلیس، بر پایه نظام برآورد انتظارات قرار دارند. اعتماد به پلیس بر مبنای میزان برآورد انتظارات برحسب ابعاد آن در نمودار زیر نشان داده شده است:

نمودار توزیع درجه‌ای میزان اعتماد به پلیس بر مبنای میزان برآورد انتظارات



«اعتماد کامل (۰/۹۹)، اعتماد بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، اعتماد کمتر (۰/۲۵)، عدم اعتماد (۰/۰۱)»



### جدول ۵- توزیع درصدی میزان مشارکت اجتماعی با پلیس

مطالعه  
مختصانه



۲۹

نیمین جامعه شناختی سرزمینیه اجتماعی پلیس

گویه‌های مربوط به مشارکت اجتماعی	(۰/۹۹)	(۰/۷۵)	(۰/۵)	(۰/۲۵)	(۰/۰۱)
همکاری با پلیس محله	۱۱/۱	۲۸/۱	۲۰/۸	۲۱/۸	۱۸/۲
ارایه نظرات و پیشنهادات درباره عملکرد پلیس از طریق تماس با تلفن ۱۹۷	۳۲/۳	۳۷/۹	۲۰/۴	۵/۶	۳/۸
ارایه اخبار و اطلاعات مربوط به مراکز توزیع مواد مخدر و.. به پلیس ۱۱۰	۱۱/۴	۳۲/۴	۴۱/۸	۱۰/۹	۳/۵
علاقه مندی به دنبال نمودن اخبار مربوط به عملکرد پلیس	۱۰/۴	۲۲/۱	۴۳/۹	۱۸	۵/۶
شرکت در همایش‌ها و نمایشگاه‌های پلیس	۶/۸	۱۵/۷	۴۹/۹	۲۱/۳	۶/۳
شاخص مشارکت اجتماعی	۱۴/۴	۲۷/۲	۳۵/۴	۱۵/۵	۷/۵

«مشارکت اجتماعی کامل (۰/۹۹)، مشارکت بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، مشارکت کمتر (۰/۲۵)، عدم مشارکت اجتماعی (۰/۰۱)»  
شواهد تجربی مندرج در جدول ۵، نشان می‌دهد که پاسخگویان عضو در درجات مشارکت اجتماعی کامل، مشارکت بیشتر و بینابین (نقطه گذار فازی) به ترتیب ۱۴/۴، ۲۷/۲ و ۳۵/۴ درصد می‌باشند و عضویت در مجموعه مشارکت کمتر و عدم مشارکت به ترتیب ۱۵/۵ و ۷/۵ درصد پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. گفتار «ارایه نظرات و پیشنهادات درباره عملکرد پلیس از طریق تماس با تلفن ۱۹۷» دارای بیشترین درصد پاسخگویان عضو در مجموعه مشارکت بیشتر می‌باشد.

### جدول ۶- توزیع درصدی میزان مشارکت اجتماعی

گویه‌های مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی	(۰/۹۹)	(۰/۷۵)	(۰/۵)	(۰/۲۵)	(۰/۰۱)
حمایت از طرح‌ها و برنامه‌های پلیس، وظیفه همه شهروندان است	۷/۴	۲۹/۲	۵۲/۲	۹/۳	۱/۹
همکاری با پلیس، وظیفه تمامی شهروندان است	۱/۸	۱۸/۹	۴۰/۴	۲۶/۹	۱۲
پلیس با آغوشی باز با شهروندان همکاری می‌نماید	۱/۸	۲۱/۵	۴۱/۸	۲۵/۶	۹/۲
پلیس همیشه در دسترس شهروندان است	۲/۸	۲۶/۶	۴۹/۴	۱۶/۱	۵/۱
دانش آموزان به عنوان همیاران پلیس، نقش مهمی در نظم و انضباط ترافیکی دارند	۱/۸	۱۹/۳	۵۶/۳	۱۷	۵/۷
کمک به پلیس، کمک به حفظ نظم و امنیت جامعه است	۱/۸	۲۹/۳	۵۵/۱	۱۰/۸	۳
مشارکت با پلیس بر مبنای شاخص انتظارات ارزشی	۲/۹	۲۴/۱	۴۹/۲	۱۷/۶	۶/۲

«موافقت کامل (۰/۹۹)، موافقت بیشتر (۰/۷۵)، بینابین (۰/۵)، موافقت کمتر (۰/۲۵)، عدم موافقت (۰/۰۱)»

شواهد تجربی نشان می‌دهد که میزان عضویت پاسخگویان در درجات فازی مشارکت

کامل، مشارکت بیشتر و بینابین به طور میانگین به ترتیب ۲/۹ درصد، ۱/۲۴ درصد و ۲/۴۹ درصد و عضویت در مجموعه‌های مشارکت کمتر و عدم مشارکت نیز به ترتیب ۶/۱۷ درصد و ۶/۲ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است حداکثر درصد پاسخگویان عضو در مجموعه «مشارکت بیشتر» (۳/۲۹ درصد) مربوط به گفتار «کمک به پلیس، کمک به حفظ نظم و امنیت جامعه است» می‌باشد.

شاخص کارآمدی دلالت بر آن دارد که داوری مثبت معادل ۳/۳۶ درصد، داوری منفی به اندازه ۳/۲۴ درصد و داوری بینابین برابر ۴/۳۹ درصد می‌باشند. اکثریت پاسخگویان (۲/۴۹ درصد) در ارزیابی پلیس براساس شاخص پاسخگویی، آن را در نقطه گذار یعنی ۵/۰ قرار داده‌اند، با این حال متوسط موردها (پاسخگویان) عضو در مجموعه «پاسخگویی بیشتر پلیس»، بیشتر از پاسخگویان عضو مجموعه «پاسخگویی کمتر» می‌باشند، این توصیف برای شاخص انسجام هنجاری نیز صادق است لکن در خصوص شاخص شفافیت سازمانی باید اذعان نمود که در این شاخص، متوسط موردهای عضو در مجموعه «شفافیت بیشتر سازمانی» کمتر از پاسخگویان عضو در مجموعه «شفافیت کمتر سازمانی» می‌باشند.

#### جدول ۷- آماره های توصیفی شروط علی پژوهش

۰/۹۹	۰/۷۵	۰/۵	۰/۲۵	۰/۰۱	شروط علی
۷/۱	۲۹/۲	۳۹/۴	۱۹/۱	۵/۲	شاخص کارآمدی
۲/۹	۲۴/۱	۴۹/۲	۱۷/۶	۶/۲	شاخص پاسخگویی
۲/۵	۱۹/۷	۴۳/۳	۲۶	۸/۵	شاخص شفافیت سازمانی
۱۴/۴	۲۷/۲	۳۵/۴	۱۵/۵	۷/۵	شاخص انسجام هنجاری

## نتایج تبیینی

در جدول ۸ داده های تجربی مربوط به رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته (اعتماد به نهاد و کارگزاران پلیس) به نمایش درآمده است:

جدول ۸- نتایج رابطه متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته (اعتماد به پلیس)

متغیرهای وابسته زمینه‌ای	اعتماد به کارگزاران پلیس	اعتماد به نهاد پلیس	اعتماد کل
سن	$r_3 = 0/197$ $sig = 0/000$	$r_2 = 0/208$ $sig = 0/000$	$r_1 = 0/221$ $sig = 0/000$
تحصیلات	$r_3 = -0/330$ $sig = 0/000$	$r_2 = -0/266$ $sig = 0/000$	$r_1 = -0/323$ $sig = 0/000$
امنیت شغلی	$r_3 = 0/370$ $sig = 0/000$	$r_2 = 0/330$ $sig = 0/000$	$r_1 = 0/387$ $sig = 0/097$
درآمد	$r_3 = -0/038$ $sig = 0/462$	$r_2 = -0/007$ $sig = 0/893$	$r_1 = -0/022$ $sig = 0/682$

نتایج یافته‌های تبیینی در مورد رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی به پلیس) حاکی از آن است که بین متغیرهای زمینه‌ای (به استثنای جنس و وضعیت تأهل) با متغیر اعتماد اجتماعی به پلیس در سطح ۰/۹۹ رابطه معناداری برقرار است، جهت این رابطه در متغیرهای سن و امنیت شغلی مستقیم است (یعنی با افزایش سن و امنیت شغلی شهروندان بر میزان اعتماد آنها به پلیس افزوده می‌شود و برعکس)، لازم به ذکر است که این یافته‌های تجربی مؤید دستگانه نظری تحقیق در این باب می‌باشند، جهت رابطه مذکور در خصوص متغیر تحصیلات معکوس است، بر پایه این شواهد، فرضیه پژوهش در این ابطال می‌گردد. به استناد یافته‌های این پژوهش ماتریس ضرایب رگرسیون ساده را می‌توان با داده‌های جدول ۹ جمع‌بندی کرد.

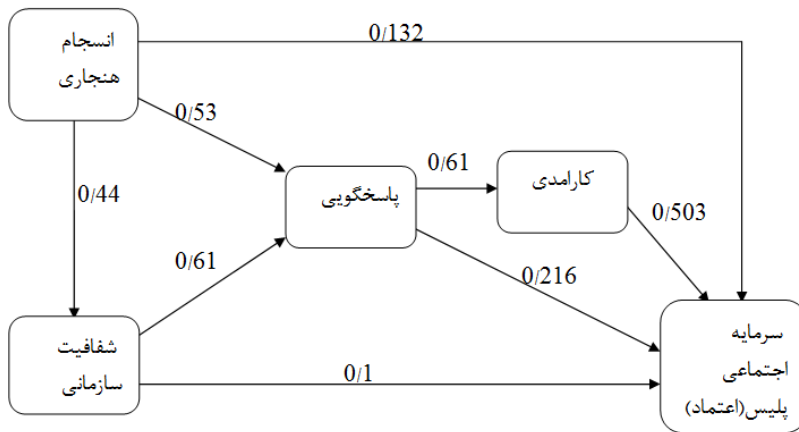
جدول ۹- ماتریس ضرایب رگرسیون ساده

B (ضریب بتا)			Constant			R <sub>2</sub>			R			Model
int	gt	T	int	gt	T	int	gt	T	int	gt	T	
0/82	0/84	0/82	0/07	0/06	0/065	0/48	0/52	0/61	0/69	0/72	0/78	شاخص کارآمدی
0/75	0/61	0/68	0/13	0/2	0/16	0/49	0/38	0/52	0/7	0/62	0/72	شاخص پاسخگویی
0/52	0/45	0/49	0/22	0/25	0/23	0/34	0/27	0/38	0/59	0/52	0/61	شاخص انسجام هنجاری
0/64	0/53	0/59	0/22	0/27	0/24	0/37	0/26	0/38	0/61	0/51	0/61	شاخص شفافیت

T=اعتماد بین شخصی، int=اعتماد نهادی، gt=اعتماد کل

در اینجا از تفسیر مجدد یافته‌های موجود در جدول رگرسیون ساده خودداری کرده، مهمترین نتیجه پژوهش را تحت عنوان قدرت تبیینی چارچوب نظری این پژوهش ارائه می‌دهیم. براساس یافته‌های تجربی موجود در جدول ۹، نسبتی از واریانس اعتماد شهروندان به پلیس که از طریق ترکیب خطی شرایط علی کارآمدی، پاسخگویی، انسجام هنجاری و شفافیت سازمانی تبیین شده است به اندازه ۰/۷۲ است.

### تحلیل مسیر



تحلیل مسیر یکی دیگر از ابزارهای داوری در باب تئوری است. در این تکنیک، اندیشه مکانیزم علی نقش اساسی را ایفا می‌کند. تحلیل مسیر روشی است که برای تعیین اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای موجود در مدل تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اکنون عوامل علی انسجام هنجاری، شفافیت سازمانی، پاسخگویی و کارآمدی را بطور همزمان وارد تحلیل کرده و رابطه این عوامل با اعتماد اجتماعی به پلیس را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شواهد نشان می‌دهد که ضریب همبستگی اعتماد به پلیس با ترکیب خطی عوامل مذکور به اندازه ۰/۸۵ است.

$$0,216 + (شفافیت سازمانی) 0,1 + (انسجام هنجاری) 0,132 + 0,1 = (اعتماد اجتماعی به پلیس) (کارآمدی) 0,503 + (پاسخگویی)$$

بر پایه شواهد تجربی موجود، به ازای هر واحد افزایش در عوامل انسجام هنجاری، شفافیت سازمانی، پاسخگویی و کارآمدی به ترتیب ۰/۱۳۲، ۰/۱، ۰/۲۱۶ و ۰/۵۰۳ واحد تغییر مثبت در اعتماد اجتماعی به پلیس قابل تخمین است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که انسجام هنجاری و شفافیت سازمانی از طریق همبستگی با عوامل پاسخگویی و کارآمدی به ترتیب ۰/۱۶ و ۰/۱۹ از تغییرات اعتماد اجتماعی به پلیس را تبیین می‌کنند.

$0/16 = (0/503)(0/61)(0/53)$  = تاثیر انسجام هنجاری با واسطه پاسخگویی و کارآمدی

$0/19 = (0/503)(0/61)(0/61)$  = تاثیر شفافیت سازمانی با واسطه پاسخگویی و کارآمدی

ضریب بتای عامل پاسخگویی بر روی اعتماد اجتماعی به پلیس برابر ۰/۲۱۶ است. سهم عامل پاسخگویی در تبیین اعتماد اجتماعی به پلیس از طریق همبستگی با عامل کارآمدی به اندازه ۰/۳۱ است.

$0/31 = (0/503)(0/61)$  = تاثیر متغیر پاسخگویی به واسطه کارآمدی

### نتیجه گیری

بر اساس دیدگاه نظری این پژوهش، سرمایه اجتماعی در جامعه سنتی و مدرن در بردارنده معنای متفاوتی است به گونه‌ای که در جامعه سنتی عبارت است از آن رفتارهای تثبیت شده یا هنجاری که کنشگر برای پایدار ساختن رابطه خود با دیگران، درونی می‌کند و در جامعه نوین (مدرن) در برگیرنده همه آن قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که کنشگر (فردی و سازمانی) برای رابطه برقرار کردن با دیگران به آن نیاز دارد.

سرمایه اجتماعی پلیس در شبکه‌ها، هنجارها، پیوندها و اعتماد متقابل جامعه با پلیس قابل ارزیابی است، هنجارهای اعتماد و همکاری در بین شبکه‌های اجتماعی، منابع اصلی سرمایه اجتماعی پلیس را تشکیل می‌دهند. سرمایه اجتماعی پلیس و تغییر پذیری آن در روابط پلیس با جامعه حضور دارد، برای تشکیل سرمایه اجتماعی پلیس دو عامل مهم اند: اول میزان اعتماد اجتماعی به پلیس به معنای آنکه تعهدات عملیاتی خواهد شد و دوم میزان واقعی تعهداتی که (مشارکت اجتماعی) پلیس و جامعه متقابلاً بر عهده می‌گیرند؛ اگر سرمایه اجتماعی از بین برود، روابط اجتماعی پلیس با جامعه نیز سست و آسیب پذیر می‌شود و در نتیجه، انتظارات، تعهدات، نظام اعتماد و مشارکت و همیاری نیز از بین خواهد رفت.

در این پژوهش ابتدا مساله تحقیق مطرح، آنگاه راه حل نظری آن مساله از نظریه مناسبتر استنتاج گردید. در ادامه راه حل نظری ارائه شده از طریق تجربه و در پرتو استدلال نقادانه مورد داوری قرار گرفت. شواهد تجربی دلالت بر تایید دستگاه نظری این تحقیق دارد.

در بخش تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج توصیفی و تبیینی، ابتدا ضمن سنجش سرمایه اجتماعی پلیس بر اساس مولفه‌های اصلی (اعتماد به نهاد و کارگزاران پلیس و مشارکت اجتماعی) به

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با متغیرهای علی (کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت سازمانی و انسجام هنجاری) و متغیرهای زمینه ای (سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد و ...) پرداخته شد. یافته های تجربی ناظر بر سرمایه اجتماعی پلیس بر اساس شاخص اعتماد دلالت بر آن دارند که به طور متوسط ۴۲/۵ درصد از افراد در نقطه متوسط طیف فازی قرار دارند و بر اساس شواهد تجربی موجود در فاصله بین صفر و یک بیشترین درصد پاسخگویان عضو مجموعه اعتماد هستند. میانگین سرمایه اجتماعی پلیس بر مبنای شاخص اعتماد ۰/۵۰۷ می باشد. شواهد تجربی ناظر بر سرمایه اجتماعی پلیس با شاخص مشارکت اجتماعی دلالت بر آن دارد که ۴۲/۲ درصد پاسخگویان، میزان مشارکت با پلیس را متوسط و ۲۷ درصد نیز بالاتر از متوسط ارزیابی نموده اند. میانگین سرمایه اجتماعی پلیس بر مبنای شاخص مشارکت اجتماعی ۰/۵۴ است.

یافته های تجربی دلالت بر آن دارند که ضریب همبستگی سرمایه اجتماعی پلیس (شاخص اعتماد) با ترکیب خطی عوامل علی موجود در مدل نظری تحقیق برابر با ۰/۸۵ است، نسبت  $f(167/9)$  بیانگر آن است که رابطه به دست آمده به لحاظ آماری معنادار است. نتایج یافته های تبیینی در مورد رابطه متغیرهای زمینه ای و متغیر وابسته سرمایه اجتماعی حاکی از آن است که بین متغیرهای زمینه ای (سن، تحصیلات، وضعیت شغلی، درآمد و امنیت شغلی) به استثنای جنس و وضعیت تاهل با متغیر سرمایه اجتماعی پلیس در سطح ۰/۹۹ رابطه معناداری برقرار است. جهت این رابطه در متغیرهای جنس و امنیت شغلی مسقیم است. لازم به ذکر است یافته های تجربی موید دستگاه نظری تحقیق در این باب می باشند. نسبتی از واریانس سرمایه اجتماعی پلیس (با شاخص اعتماد) که از طریق ترکیب خطی شرایط علی مدل تحقیق تبیین شده است به اندازه ۰/۷۲ است. در بین شرایط علی، عوامل کارآمدی و پاسخگویی به ترتیب دارای وزن بیشتری نسبت به انسجام هنجاری و شفافیت سازمانی در تبیین سرمایه اجتماعی پلیس می باشند. در پایان، در خصوص تفاوت اصلی این پژوهش با پژوهش های پیشین در زمینه سرمایه اجتماعی پلیس، می توان به حضور توامان دو مولفه اصلی و اساسی (اعتماد و مشارکت اجتماعی) با خرده شاخص های دقیق در سنجش و تبیین این مفهوم چند لایه و پیچیده اجتماعی اشاره نمود.

## پیشنهادات

- در مقاله حاضر، پاسخگویی از عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی قلمداد گردید، شایان ذکر است که لازمه پاسخگویی، وجود سازوکار خود کنترلی در اجزای سازمان است که در مواردی از آن تحت عنوان تعهد سازمانی نیز یاد می شود. در سازمان پلیس که نیروی انسانی به عنوان جزء کلیدی سازمان و سیستم مطرح می باشد، این شاخص اهمیت زیادی داشته و از طریق آموزش و تقویت وجدان کاری می تواند مورد بهبود و تقویت قرار گیرد.
- سازمان پلیس به منظور برخورداری از سرمایه های اجتماعی بیشتر، بایستی سازمانی حرفه ای و بهره مند از دانش فنی و اجتماعی باشد به گونه ای که این حرفه گرایی و تخصصی شدن از سطح دانش فنی فراتر رفته و از دانش عملی مناسب به لحاظ جامعه شناختی، روان شناختی، حقوقی و سیاسی نیز جهت برقراری تعامل مناسب با جامعه و مردم برخوردار باشد.
- بر پایه نتایج تجربی تحقیق، بین سرمایه اجتماعی سازمان پلیس با کارآمدی و اثر بخشی آن رابطه تنگاتنگی وجود دارد، لازمه کارآمدی نظم و انسجام سازمانی است، زیرا نظم سازمانی و همبستگی رفتاری و توجه به سلسله مراتب، مقوی اقتدار سازمانی پلیس هستند. با افزایش کارآمدی و اثر بخشی، سازمان پلیس، مقبولیت و مشروعیت بیشتری یافته و سرمایه اجتماعی آن ارتقاء می یابد و در نتیجه، تعامل آن با جامعه و انجام وظایف و ماموریت های تعیین شده برای آن، با سهولت و هزینه کمتر و نیز تاثیر گذاری بیشتر، عملیاتی می شوند.
- جذب نیروهای متخصص، جذب منابع مالی، تحقق نظام مشارکت و بهره وری مطلوب، موفقیت در توسعه و تعالی فرهنگ سازمانی پلیس، اعتماد اصیل و پایدار عمومی را موجب می شوند.
- با بسنده نکردن به جلب اعتماد سطحی و ناپایدار از طریق شیوه ها و شگردهای تبلیغاتی و برخورداری از دغدغه نهادینه سازی آن از علائم عبور از شعار به شعور و کمال عقل فنی است که بایستی به نگرش راهبردی مدیران مبدل گشته و به وسیله دانش کافی، ابزارهای تحقق خود را بیابد.
- نخستین اصل در اعتماد آفرینی، حرفه ای بودن در حوزه مدیریت است، هر چه تصمیم گیری ها و اقدامات سازمانی پلیس حرفه ای تر باشد، اعتماد به سازمان پلیس افزایش می یابد.
- لازمه شفافیت سازمانی به عنوان شاخصه مهم سرمایه اجتماعی مورد تاکید در تحقیق

حاضر که به طور مفصل به استدلال نظری و تجربی آن پرداختیم، به کار گرفتن ابزارهایی است که سازمان پلیس را پیش بینی پذیر نماید. آنچه به منزله یک روش به شبکه ارتباطی سازمان پلیس شفافیت و قانونمندی می بخشد، نظام مندی در همه ساحت های آن است: نظام ارزیابی و حسابرسی، نظام آموزشی، نظام استخدام و تعدیل، نظام ارتقاء و ترفیع و نظام نحوه ارائه خدمات.

• عدالت آفرینی و رفع هرگونه تبعیض، بایستی از اصول مهم و مورد توجه سازمان پلیس در اعتماد سازی و تولید سرمایه اجتماعی باشد؛ اگر آیین نامه ها، مقررات و جهت گیری های سازمان پلیس برخوردار از تبعیض باشد، اعتماد سوز می گردد. با عدل و داد است که ایمنی و اعتماد آفریده می شود و شادابی و توانمندی در فرهنگ سازمانی رشد می کند. روش تحقق بخشیدن به عدالت در فرهنگ سازمانی، حاکمیت اخلاق حرفه ای است و این مهم در گرو تدوین نظام اخلاق حرفه ای سازمان پلیس است.

• نیروی انتظامی بایستی به منظور تثبیت سرمایه های اجتماعی خود، به دنبال نهادینه ساختن احترام اصیل متقابل با جامعه باشد. انسان ها نسبت به عزت نفس و احترام وابستگی فطری دارند و هتک حرمت را نمی پذیرند. اگر سازمان پلیس نسبت به ارباب رجوع و مخاطبین و حتی کارکنان خود به صورت اصیل و نامشروط (و نه ابزارانگارانه) احترام ننهد، هرگز اعتماد پایدار را در آنها ایجاد نخواهد کرد. الگوهای پرخاشگری، سلطه گری و سلطه پذیری در رفتار ارتباطی با حرمت انسان منافات دارند. لذا روش معمول اعتماد بر پایه این اصل، رفتار توأم با صراحت، صداقت، مهربانی و احترام متقابل است و آن امری است که از طریق آموزش روشمند می تواند فرهنگ سازمانی را شکل دهد.

• برای استفاده از مشارکت حداکثری مردم در تأمین نظم و امنیت اجتماعی، می بایست راهکارهای نهادینه کردن رویکرد جامعه محوری پلیس، مورد شناسایی قرار گرفته و در قالب یک استراتژی درازمدت و برنامه راهبردی به مرحله اجرا گذاشته شوند.



## منابع

- آزاد ارمکی، تقی وهمکاران (۱۳۷۷)، اعتماد و ارزشها: گزارش تفصیلی بررسی مقدماتی ارزشهای جهان در موسسه مطالعات و پژوهش های اجتماعی دانشگاه تهران.
- الوانی، سید مهدی؛ دانایی فرد، حسن (۱۳۸۰)، «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی» مجله دانش مدیریت، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۵-۲۷.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴)، «اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن»، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۳۹-۴۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، «تحلیل انتقادی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵ (۲)، صص ۳۳۷-۳۵۷.
- اکبری، امین (۱۳۸۳)، «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه دلفروز، تهران: سلام.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۷)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشرنی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱)، «فضای کنش: ابزار تنظیمی در نظریه سازی»، تهران، مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۱: ۶-۴۵.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۴)، «ساختار جامع تعامل پلیس با مردم»، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۸)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهش در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، سروش.
- رجب زاده، احمد (۱۳۸۲)، رفتار های فرهنگی ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح های ملی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، اعتماد نظریه جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- ساعی، علی (۱۳۸۸)، «معرفت شناسی فازی و دلالت های روش شناختی آن در علوم اجتماعی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ویژه نامه روش شناسی، دوره سوم، شماره ۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، اعتماد اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان»،

رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

- فوکایاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: نشر کویر.

- کلمن، جیمز (۱۳۷۸)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشرنی.

- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴)، بررسی آگاهی‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰)، «بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی»، نمایه پژوهش، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- میرتال، باربارا (۱۳۸۰)، بررسی مفهوم اعتماد در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، ترجمه ناصرالدین غراب، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، سال پنجم، تابستان، صص ۷۵-۵۵.

- مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، صص ۴۴-۳.

- مک کلان، پاتریشیا؛ نل، کریستو (۱۳۸۰)، عصر مشارکت، ترجمه مصطفی اسلامی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- میرزاخانی (۱۳۸۰)، «رابطه سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی با نگرش به رشته تحصیلی و عملکرد تحصیلی»، دانشکده علوم اجتماعی تبریز، راهنما: قاضی طباطبایی.

- ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دینداری در بین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان در استان گلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

- موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۸۳) سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی: بررسی سرمایه اجتماعی در مدارس و تاثیر آن بر سلوک اجتماعی دانش‌آموزی در شهر تهران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

- ناطق پور، محمد جواد؛ فیروز آبادی، سید احمد (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، صص ۵۹-۹۱.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲)، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، دفتر طرح‌های ملی.

- وروایی، اکبر (۱۳۸۴)، پلیس جامعه محور، انتشارات ساعس ناجا.

- Bahray, Donna & kosolapov, Mikhail & kozyreva, Polina and Wilson, Rick. (2005) Ethnicity and Trust: Evidence from Russia, Europe - Asia studies (January).

- Barber, A. (1983), Trust and Anti- trust, vol. 96
- Bernstein, P (1980), World Place Democratization: It is Internal Dynamics, New Brunswick.
- Browing, Christopher R., Dietz, Robert & Feinberg, Seth L., 2000. «Negative social capital and urban crime: A negotiated coexistence perspective». URAI working paper, No. 00.07 at the Ohio state university: 1-59, <http://www.urai.ohio-state.edu>.
- Brehm, john & Rahn wandy, (1997) «Individual – level evidence for the causes and consequences of social capital», American journal of political science, volume 41, Issue 3(Jul., 1997), 999-1023.
- Coleman, j. (1990). Foundations of social theory, Cambridge mass: Harvard University Press.
- Glaeser, Edward L. (2001).«The formation of social capital», organization for Economic Co- operation and Development.
- Glaeser, Edward L, and .B. Sacerdote (2000). «The Economic approach to social capital», NBER working paper no.1128 (Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research).
- Fukuyama, Francis (1995), Trust: the social Virtues and the creation of Property, free Press.
- Giddens A, (1992) the Consequences of modernity, stand ford, calif: Stanford university Press.
- Inglehart, R. (1990), culture shift in advanced Industrial societies, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Luhman, N (1998), familiarity, Confidence, Trust: problems and Alternatives, PP.14-107 in Trust: making and Breaking cooperative Relation, ed. Diego Gambetta, oxford: Basi Blackwell.
- Misztal, B.A (1996), Trust in modern societies, Cambridge, England: polity press.
- Nachmias, D. (1985) Determinant of trust within the federal Burecracy, InD.H.Rosen bloom (H.d) Public personal policy: The policy of civil service:



by: associated faculty press.

-offe, claus and fuches, Susanne (2002) A Decline of social capital, the German case, published in Putnam, Robert D.

-Paxton. (2002). Social capital and democracy: An interdependent relationship<sup>2</sup>, American sociological Review, Albany, Apr 200.

-Putnam, R.D. (1995), Tuning in, tuning out. The strange disappearance of social capital in America, in: political science and politics, December, pp. 664-683.

-Paxton, Pamela, (2007) Association memberships and Generalized trust: A multilevel model Across 31 countries. The university of North Carolina press, volume 86, number 7.

- Paragal. S, Gilligan. DO and Huq.M. Does social capital increase participation involuntary social waste management? Evidence from Dhaka, Bangladesh published in Grootaert, C and Bastelaer, T. (2002).The role of social capital in Development. Cambridge univ. press.

-Paxton, p. (2002). Social capital and democracy: an interdependent relationship, American sociological Review, Albany, Apr 2002.

-Putnam, R (2009), bowling alone: The Revival of American community, New York: Simon and Schuster.

-Ritzier, G. (2000), Sociological Theory, McGraw-Hill Higher Education, fifth edition.

- Rosenfeld, Richard. Messner, Steven F, Baumer, Eric P., 2001. «Social capital and Homicide». Social forces, vol.80, Issue1:283-309.

-sztompka, p (1999), Trust and Emerging Democracy Lessons from Poland, International sociology, vol. ll, Issue l.